علی انصاریان

آقای بخیه. آقای تعصب. آقای مدافع. آقای یاغی. آقای بازیگر. جشنواره فیلم فجر. خوش خنده و خوش مشرب. ننه علی. کرونا.



لقب ماجراجوترین بازیکن فوتبال ایران را باید به او داد. ستاره‌ای که با فجرسپاسی معرفی شد و تنها یک بازی برابر پرسپولیس کافی بود تا دل علی پروین را ربوده و پیراهن سرخ را در سال ۷۷ بر تن کند. پیراهنی که تا ۸ سال بعدترش یعنی تا سال ۸۵ به جز چند بازی کوتاه برای سایپا از تن خارج نکرد. او فوتبال را به سبک گلادیاتورها بازی می‌کرد؛ یعنی حتی اگر توپ هم رد می‌شد، بازیکن نباید رد می‌شد! سبک درگیرانه و فیزیکی او سبب شد تا پروین که به این مدل فوتبال علاقه داشت، با وجود مدافعانی چون رهبری‌فرد و هاشمی‌نسب او را به پرسپولیس بیاورد و عجیب اینکه با وجود این دو غول نیز انصاریان بدل به مدافع فیکس پرسپولیس شد.

در سال ۸۵ و بعد از دوران علی پروین، آری هان هلندی او را از پرسپولیس کنار گذاشت و انصاریان در واکنش به تصمیمی که آن را ناجوانمردانه می‌دانست، یاغی شد و پیراهن استقلال را برای یک فصل بر تن کرد. تصمیمی که تا انتهای عمر و بعد از دوران فوتبالش بارها از آن اظهار پشیمانی نمود.

انصاریان برخلاف دوران باشگاهی در تیم ملی چندان موفق نبود. او از سال ۷۷ تا ۸۶ به طور متناوب بارها به تیم ملی دعوت شد و برای مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ نیز حتی در لیست نفرات منتخب چیرو قرار گرفت اما هرگز فرصت بازی نیافت.

انصاریان بعد از آویختن کفش‌ها در سال ۹۰ به طور کامل از فوتبال برید و به سمت هنر رفت و تمامی عرصه‌ها از خوانندگی، مجری‌گری، گزارشگری و البته بازیگری را تجربه نمود. او در بیش از ۱۰ فیلم و مجموعه تلویزیونی بازی کرد و چندین جایزه از جمله بهترین بازیگر مرد برای بازی در فیلم کولبرف از جشنواره بلغارستان به وی تعلق گرفت.

انصاریان در ۱۵ بهمن ۹۹ دو هفته پس از بستری شدن در بیمارستان فرهیختگان بر اثر کرونا درگذشت.





مهرداد میناوند

چپ پای تکنیکی. بمب انرژی. دوست داشتنی. خوش خنده. از فوتبال تا مجری‌گری. اولترا سرخ. اتریش و اشتورم گراتس. کرونا.

دهه ۷۰ و ۸۰ دهه اولترا چپ‌ها در فوتبال ایران بود. بعد از عصر مجتبی محرمی، رضا شاهرودی و مهرداد میناوند چهره شدند؛ دو رقیب هم‌پستی در پرسپولیس و تیم ملی. در این میان این میناوند بود که از حواشی شاهرودی بهره برد و خود را تثبیت کرد. جام ملت‌های آسیا ۹۶ و خط خوردن شاهرودی پای پرواز تیم ملی به امارات بر سر مجادله با مایلی‌کهن، این فرصت را به میناوند داد تا در جام ملت‌ها میخ خود را در تیم پوست انداخته و جوان شده مایلی‌کهن بکوبد. تیمی که با ستاره‌های نونوارش عصر تازه‌ای را آغاز کرد، سوم شد و ۲ سال بعد جام جهانی را برای نخستین بار بعد از انقلاب به فوتبال ایران هدیه داد. آنجا هم مصدومیت بی‌موقع شاهرودی که دفاع چپ فیکس بود، سبب شد تا میناوند هر ۳ بازی خاطره‌انگیز ایران در فرانسه ۱۹۹۸ را بازی کند و همین دروازه‌های اروپا را رو به شماره ۲۵ دوست‌داشتنی باز کرد. ترانسفر میناوند به اشتورم گراتس تیم محبوب و قهرمان اتریش، مهرداد را بدل به یک بازیکن بین‌المللی کرد که دستاوردهای بسیاری از قهرمانی‌های متوالی در لیگ اتریش گرفته تا حضور در لیگ قهرمانان را برای او به همراه داشت. میناوند پس از آویختن کفش‌ها در ۳۱ سالگی به عرصه هنر متمایل شد و خوانندگی و در ادامه گزارشگری و اجرا را در پیش گرفت.

نخستین تجربه او در این عرصه، خواندن یک ترانه به مناسبت صعود تیم ملی به جام جهانی ۲۰۰۶ به همراه پژمان جمشیدی و نیما نکیسا بود.

میناوند در ادامه به گزارشگری و اجرا روی آورد و به دلیل تعصب به پرسپولیس، به گزارشگری و اجرای برنامه در شبکه اینترنتی پرسپولیس پرداخت. در نهایت در یکی از همین برنامه‌ها به کرونا مبتلا شد و پس از یک هفته بستری در بیمارستان در ۸ بهمن ۱۳۹۹ بر اثر آمبولی ریه، در بیمارستان لاله درگذشت.



